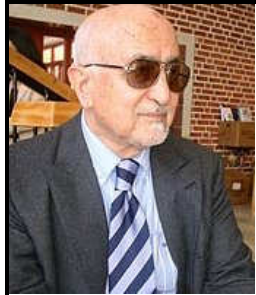


داکتر اکرم عثمان



## در نفسی تمامیت اندیشی!

جلال آل احمد نویسنده نامدار ایرانی و مؤلف کتاب بحث انگیز « غربزدگی » که با موافقت و مخالفت کثیری از خوانندگان مقابل بوده است در یکی از کتابهایش راجع به فلات مشترک جغرافیایی مردم منطقه ما چنین آورده است:

"مملکت ما، مملکت کویرهای لوت و دیوارهای بلند است - دیوارهای کاهگلی در دهات و آجری در شهرها.

و این تنها در عالم خارج نیست، در عالم درون هر آدمی نیز، چنین دیوارهای سربه فلک کشیده است. هر آدمی بست نشسته در حصار از بدبینی، کج اندیشی، بی اعتمادی و کور دلی!"

این توصیف وجیز و فشرده، کم و بیش شامل حال تمام ملل و نحل ساکن در این گسترده می شود. ما را محدودیت های زیادی اسیر گرفته اند، از جمله محدودیت های زبانی و گفتمانی، محدودیت های اندیشه ای و ذهنی و محدودیت های مقیاسی و سنجشی.

ما کماکان در قفس طایفه و قفس سنن و باورها نفس می کشیم و این محفظ ها از ما موجوداتی سرخورده، مو دماغ، پریشان اندیش، خودنگر و خشونت طلب درست کرده است. در عرصه محدودیت زبانی و گفتمانی باید گفت که اکثر هموطنان ما ارج چندانی به حد و مرز زبان شان قایل نیستند. اگر ریگ زیر دندان شان بیاید از زبان شان مانند تیغ در دست زنگی مست! بهره میبرند، از کشته پشته می اندازند و دریای خون جاری می نمایند.

مهم این نیست که دم حاضر در قلع و قمع دیگران دست آزاد ندارند ولی مسأله در خور تأمل اینست که باید از دیو درون چنان آدمهایی به شدت ترسید.

قراین تاریخی گواه است که در تاریخ معاصر ما چندین بار آن من بالقوه و خون آشام مجال یافته است که خود را در اختلافات میان گروهی نشان بدهد و ذات و فطرت خبث اش را نشان بدهد.

در عالم مطبوعات نیز چنان قساوتی جاری و طاری بوده است. از برکت پیشرفت رسانه های تصویری و غیر تصویری هر قلمزنی مجال یافته است که آن « من کوتاه نظر و قسی القلب » را وارد میدان بکند و سرعده های چرکینی را باز نماید.

مراد نه اینست که ما باهم مناظره و مباحثه نداشته باشیم. نقد سالم، منطقی و مؤدبانه ذکا و هوش روشنفکران ما را تقویت می کند و به آنها درست اندیشیدن را می آموزد. محدودیت های گفتمانی ما هم از فقدان فرهنگ بحث رنج می برد و هم از فقر کاربرد ابزار گفت و شنود. ما اکثراً بی توجه به روند معرفتی یک بحث از چوب تکفیر! بهره میبریم و طرف مباحثه را واجب القتل قلمداد می کنیم. علت العلل چنان مثنی، تمامیت خواهی و تمامیت اندیشی است. به این معنا که ما خود را محور و میخ زمین می پنداریم و خود را دانای کل! و عقل عالم تصور می کنیم.

مطلق باوری در زمان گواه طرز تفکر ما قبل مدرن! است که بیشترین مبنای آن منسوخ شده و بطلان شان عملاً ثابت شده اند.

در شرایط حاضر حسن و قبح بسیاری از باورهای انسانی در چهار چوب اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح و «فورموله!» شده است. به موجب آن اعلامیه منشأ تمام حقوق مکتوب و غیرمکتوب «تبار انسان» است و فقط انسان ضامن برابری و برادری می باشد.

مطلق کردن و ایدئولوژیک کردن اندیشه ها چه سیاسی، چه اقتصادی و چه فلسفی راه به بیراهه میبرد. باید زندگی کردن در بین عقاید، مواضع و منافع مختلف را تجربه کنیم و همزیستی ملل و نحل را ارج بگذاریم.